

الگوهای ارتباط رهبران فکری با توده‌های مردم در ایران

علی طایفی

در جامعه‌ی ایران امروز، به دلیل ماندگاری و دیرپایی سنن دیرین و ساختار عقب مانده، بسته و استبدادی، همواره رهبری افکار عمومی در جامعه، نقش وافر و حتا بیش از حد معمول داشته است. غلبه‌ی الگوی فرهنگی سلطه‌پذیری و تبعیت از یک‌سو و تقلید و لیبیک‌گویی به آن‌چه زحمت تولید فکری و منطقی آن را دیگران کشیده‌اند، از دیگر سو معلول شرایط اندیشه‌ستیزی است که همواره با انگاره‌ی مبارزه و خشونت علیه اجتماع‌های پیش از ۲ نفر، نه امکان اعتلای کار و تلاش گروهی و تشکیلاتی صحیح و معقول را فراهم کرده‌اند و نه شرایط تفکر گروهی، بحث و تبادل نظر و تضارب آرا را بستری مناسب ساخته و پرداخته‌اند. این، بیش از همه و هر چیزی ناشی از اوضاع و احوال سیاسی - اجتماعی جامعه‌ی ایران زمین است.

فرایند رهبری افکار عمومی به قدری در روند تحولات سیاسی - اجتماعی و شکل‌گیری اندیشه‌های فردی و جمعی مؤثر بوده که در مروری بر تاریخ، خواه بر اساس فاکت‌های معین و خواه بر اساس استنباط‌های تحلیلی، هر چه هست بحث خدمت و خیانت رهبران فکری، اعم از طبقات مسلط و حاکم و اقشار روشنفکر و عالم است و جای نقش‌آفرینی‌های خودجوش مردم بسیار کم‌رنگ است و در نهایت متأثر از هدایت و رهبری‌های عمومی

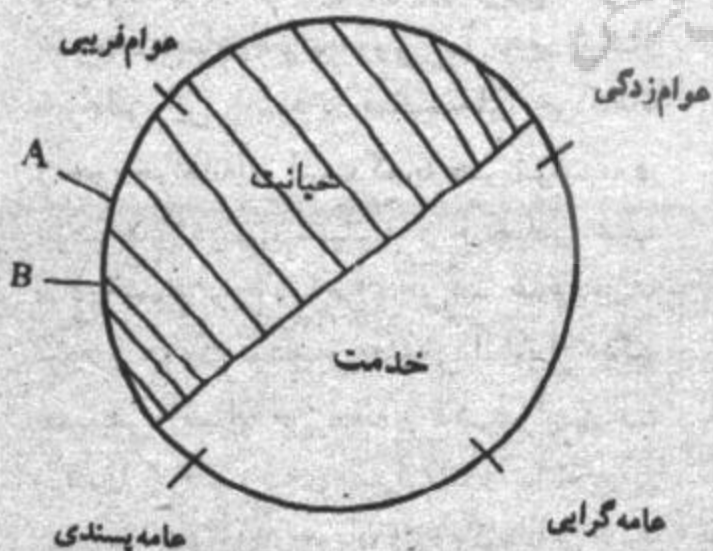
افراد وابسته به اقشار طبقات خاصی است که بر اساس منویات فکری و منافع گروهی یا صنفی خود، خواه در تاریخ گذشته و خواه در چشم‌انداز آتی به جریان‌سازی و آفرینش تاریخ پرداخته‌اند. حتا مصلحان و ناجیان خلق‌گرای چون قائم مقام فراهانی و امیر کبیر... نیز عمدتاً به همزبانی با طبقات مسلط فکری، سیاسی پرداخته و خلقی انبوه را با جملاتی هیجان‌آور و آتشین به میدان مبارزه و صحنه تظاهر اجتماعی کشانیده‌اند.

هدف از بیان این مقدمه‌ی کوتاه، فشرده و در عین حال گذرا بی هیچ ادعایی برای صدور حکمی یا قانونی در تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران، تنها ایجاد زمینه و پیش درآمد ورود به بحثی است که در سطور بعد بیان خواهد شد. بدین ترتیب که در میان گروه‌های رهبران فکری ایران همواره ۴ رویکرد و دیدگاه حاکم در ارتباط با مردم وجود داشته است که در یک پیوستار خدمت و خیانت قابل تصویر است.

نمودار یک که بیانگر جهت‌گیری‌های اصلی ارتباط طبقات حاکم و صدرنشین فکری - سیاسی با مردم در قاعده‌ی هرم قدرت است، در واقع گویای یک فرایند ذهنی است که شکل عینی آن صورت دیگری به خود گرفته است که در جای خود بدان پرداخته خواهد شد.

در این فرایند که از قطب منفی تا مثبت تداوم می‌یابد، و بعد خیانت‌پیشگی همواره به نام عامه‌ی مردم و به گام خاصه بوده و بنا بر این مبتنی بر رویکرد خاص‌گرایی است Particularism/ در آن سوی قطب در بعد خدمت‌کاری به مردم که مبتنی بر رویکرد عام‌گرایی Universalism/ است، علی‌رغم اعتقاد راسخ رهبران فکری به منافع و حقوق مردم و اینارگری‌های بسیار در راستای نیل به این هدف، نوعی گرایش عملی وجود دارد که در برخی نقاط نتیجه‌ی عینی آن به همان خاص‌گرایی منتهی شده و در نهایت در یک نگاه طولی در تاریخ و تحلیل اقدامات این رویکرد منجر به خیانت می‌شود، لذا پیوستار فوق می‌تواند در فرازهایی از تاریخ شکل دایره‌وار یافته و در نتیجه‌ی یک دور در نهایت خدمت به خیانت ختم شود:

نمودار ۲. فرایند دایره‌وار ارتباط تاریخی رهبران فکری با مردم ایران



در چنین پیوستار مدوری که شکل دور باطل یافته و مرز میان خدمت و خیانت از یک‌سو و مردم ستیزان و مردم‌باوران مخدوش

نمودار یک: فرایند تاریخی ارتباط با توده‌های مردمی توسط رهبران فکری در ایران در پیوستار خدمت و خیانت

خیانت (خاص‌گرایی)

خدمت (عام‌گرایی)

عوام‌فریبی

عوام‌زدگی

عام‌گرایی
و عام‌نگری

عامه‌پسندی

و تو در تو می‌شود، اولین و آخرین شعار مردم هستند. خواه در له آنان باشد خواه علیه آنان. در قطب عام‌گرایی، رهبران فکری دیگر به دنبال منافع شخصی نبوده و تمامی علایق و سلاقی فردی خود را قربانی عامه کرده و مرزهای سودمندی را از پوسته‌های تنگ، بسته و کوچک خاص‌گرایی درآورده و به دنیای وسیع آسایش انسان‌های زحمتکش، دردمند و هم‌سرنوشت می‌کشاند. رویکرد ۲ گانه‌ی مورد بحث عبارت‌اند از:

الف. عوام‌فریبی: این رویکرد که در شرحه شرحه گزارش تاریخ حیات مردم ایران همواره بارقه‌های پر رنگ و دیرپایی از آن قابل ردیابی است، مبتنی بر تئوری مردم‌ستیزی است و در واقع مترادف واژه انگلیسی Demagogism است که از طریق اغوای مردم، دادن وعده‌های دروغین، انقلابی و مردم‌نمایی و تحریف وقایع و حقایق، مردم را علیه مردم و در راستای منافع خود هدایت و راهبری می‌کند. این رویکرد، دارای شقوق مختلفی است که افراطی‌ترین و غیر مردمی‌ترین شکل بروز آن مردم‌ستیزی است. در این نوع از مردم‌ستیزی، اولین حربه‌ی اصلی، ایجاد تفرقه و شیوع نزاع‌های مردمی علیه خودشان است. شکل علنی و آشکار مردم‌ستیزی به صورت رودررو زمانی به وقوع می‌پیوندد که تضادهای آشفتنی‌ناپذیر رهبران فکری با مردم آشکار و غیر قابل پنهان شده و در چنین شرایطی است که عموماً قتل عام خونین روی می‌دهد. اشکال غیرعلنی این راهبرد در فعالیت‌های خودکامانه و خودخواهانه‌ای است که به هر ترتیب، در عرصه‌های دینی، سیاسی و اقتصادی علیه منافع عموم مردم به اجرا درمی‌آید. عدم باور به مردم و هویت فردی و جمعی آنان از دیگر خصایص رهبران این نحله‌ی فکری است که مردم را چونان رمله‌ی سرگردان و بلا تکلیفی می‌دانند که نیازمند چوپان و رمه‌گردانانی است تا ضمن تأمین حداقل نیاز معیشتی آنان، به هر کجا که صلاح باشد رانده شوند و از نتیجه‌ی این شکل زیستی نیز، تمتع‌نهایی را از آن خود کنند. عامه‌گرایی نیز از خصایص بارز دیگری است که در این رویکرد غالب است. دوری‌گزیدن، جدا کردن محدوده‌ی زیست، شکل زندگی، سرآورده فردی - اجتماعی، تمهید نمادهای ویژه‌ی تمایز این رهبران فکری با عامه مردم، تقسیم کار طبقاتی و ارگانستی و تلقی آحاد مردم به عنوان اقشار دون پایه از زمره‌ی دیگر زوایای نگرشی حاکم بر رویکرد دستگاه

فکری عوام‌فریبان است. ویژگی دیگر این نحله‌ی فکری، عامه‌نمایی است که در مستدل‌ترین وجه خود زمینه‌ی بروز می‌یابد. اطلاق نمایندگی از سوی مردم، حب مردم و قیام بودن آنان و سودمند تلقی کردن آن به نفع عموم مردم، استفاده از شعار، آداب، زبان و سایر الگوهای فرهنگی مردم برای نزدیکی ضروری خود به آنان از ابزارهای اصلی این نحله به‌شمار می‌رود (نمودار شماره ۳).

نمودار ۳. سطوح مختلف ویژگی‌های اصلی رویکرد

(خدمت) عوام‌فریبی در پیوستار خیانت و خدمت (خیانت)

عامه‌نمایی عامه‌گرایی عامه‌ناباوری عامه‌ستیزی

معادین این رویکرد خاص در جامعه‌ی کنونی ایران به اشکال مختلف قابل بازیابی است که شفاف‌ترین آن مطبوعات و رسانه‌های جمعی است که برخی از آنان با احراز چنین نگرشی با همه‌ی مراتب شدت و ضعف آن، به وظیفه‌ی عوام‌فریبی اهتمام داشته و از لطایف‌الحیل پیش گفته نیز برای منافع گروهی، یا صنفی خود بهره می‌گیرند. این جناح اندیشه‌ای در واقع به‌طور مشخص خاص‌گرا بوده و منافع گروهی و صنفی و فردی را بر منافع جمعی مردم و هویت‌های ملی - مردمی ترجیح می‌دهد.

ب. عوام‌زدگی: این رویکرد در سطح میانی پیوستار خدمت و خیانت قرار دارد، در برهه‌هایی از تاریخ و حتی هم‌دوش با سایر رویکردها در یک برهه‌ی خاص زمینه‌ی بروز یافته است. این رویکرد با استفاده از ابزارهای عامه‌سازی / Vulgarism از روش‌های مختلفی استفاده می‌کند که گویای نوعی شدت و ضعف عملکردی است:

**فصل مشترک عامه‌گرایی
با عوام‌زدگی
اتکاب به زبان عامه است
طوری‌که
زمینه‌ی ارتباط
و همدلی**

**و شناخت دردهای مردمی از یکسو
و راه‌حل‌ها و تدابیر رهبران فکری
در نزد مردم فراهم شد**

صاحبان این رویکرد علی‌رغم نیت گناه مردم‌خواهانه‌ی خود، به دلایل مختلفی چون ساده‌اندیشی، اندیشه‌بستی، دگماتیسم یا تعصب، آلودگی فکری و رفتاری، نوشتن‌گری و برخوردهای نوستالوژیک، به این بینش روی آورده و به اشکال مختلف عمل می‌کنند. عامه‌نمایی که فصل مشترک این رویکرد با رویکرد عوام‌فریبی است از اجزای اصلی تشکیل دهنده‌ی کلیت عوام‌فریبی است. باور

به ارزش‌ها و هنجارهای مردمی بی هیچ تغییر مطلوب و متعالی و برخورد محافظه‌کارانه با تغییرات فرهنگی - اجتماعی از این دیدگاه نوعی نمای عامه‌باورانه به‌دست می‌دهد. اعتقاد به حکومت مردم و اعتنا به نظرات مردم در اداره‌ی امور کشور و یا هر زمینه‌ی اجتماعی - سیاسی دیگر، عمدتاً در ورای نوعی باور عامه‌سالارانه نهفته است که با توجه به عدم پیش‌بینی و اهتمام در تحقق راهکارها و ساز و کارهای عملی و عینی تحقق آن و امکان مشارکت‌پذیری مردم، فقط در سطح شعارها و عبارات رماتیکی و عاطفی باقی می‌ماند مآلاً همدردی و هم‌زمانی بدون راهبرد اجرایی را به ارمغان می‌آورد. ساده‌سازی انتظارات، آسایش برنامه‌ها و اهداف، به‌نجوی که قابل فهم برای عامه‌ی مردم باشد از دیگر خصایصی است که از یکسو، میل به خدمت و از سوی دیگر، گسریز از آن می‌یابد. این رویکرد با نگاه محافظه‌کارانه و ایستای خود، مانع رشد و اعتلای وضعت و جایگاه آحاد مردم شده و تنها با بیان شعار و کلام بی‌عمل، به ارتباط کوتاه خود با مردم بسنده می‌کند. بدیهی است این ارتباط، پایدار نبوده و در تعامل‌نهایی زمینه‌های میل صاحبان همین نحله و یا ورود اندیشه‌های عوام‌فریب و خیانتکار دیگر را فراهم می‌کند.

در این نحله، عموماً از طریق مطبوعات ویژه‌ی خود و تریبون‌های عمومی سعی در نگهداشت وضع موجود و حفظ شرایط کنونی و ممانعت از هرگونه تغییری دارند تا به راحت‌ترین وجه و بی هیچ همتی، در جهت نسواری و رهبری اندیشه‌های نوین، به ساختارهای کهن، ایستا و عقب‌گرای خود اتکا

عامه‌گرایی عامه‌نگری عامه‌سروری عامه‌باوری

اولین نقطه‌ی عطف و توجه این رویکرد و رهبران فکری آن باورداشت به منافع آحاد مردم و افراد جامعه است. این نحله‌ی فکری علی‌رغم هدف‌گذاری مردمی در اهداف سیاسی و اجتماعی خود و گروه‌های فکری ذی‌ربط، معتقد است زمینه‌ی دست‌یابی به منافع مردمی، تنها از طریق یک حرکت تشکیلاتی از بالا، خواه با مبارزات دامن‌گیر سیاسی - فکری در عرصه‌ی مطبوعات و نشست‌های سیاسی و خواه به واسطه‌ی تفاهم و مذاکره با حکام سیاسی - اداری در کشور قابل تحقق است. در همین راستا، صاحبان فکری این رویکرد با داعیه‌ی هدایت مردم از بالا، عمدتاً از بطن توده‌های مردم جدا شده و با بیگانگی فکری و اجتماعی با مردم به نوعی جدایی از مردم میل یافته و در نهایت با تک افتادگی و حرکت بی‌پشتوانه، دست‌خوش نوعی تجرد، توهم و انتزاع اندیشی شده و به اصطلاح مشکلات مردم را در پشت درهای بسته به چاره‌جویی می‌نشینند. عامه‌پسندی در جامعه‌ی ایران و تاریخ معاصر اشکال مختلف و تجلیات گوناگونی داشته است و موجب شده که بخشی از رهبران فکری، متجدد و سنتی برای جمع‌آوری و جلب آرای مردمی، در

پیوستار شماره یک این نوشته، یعنی عوام‌فریبی و عامه‌پسندی، زمینه‌ی بروز و ظهور شرایط عامه‌گرا نیز در ایران پدید نیامده است. این معلول ناشی از وضعیتی است که همواره جامعه‌ی ایران را در موقعیت افراطی شرایط باز سیاسی و یا خفقان و استبداد محض گذارده و بسترهای اعتدال و تعادل را شکوفا نکرده است. با این وصف در بیشتر شرایط و برهه‌های خاص تاریخی و غلبه یکی از رویکردهای افراطی مذکور، به هر ترتیب نطفه‌هایی از اندیشه‌ها و تعدادی از رهبران فکری عامه‌گرا نیز وجود داشته‌اند که فروغ اندیشه‌هایشان کم دامنه و کوتاه مدت بوده است.

ت. عامه‌پسندی: آخرین رویکرد فکری حاکم در روابط بین رهبران فکری و مردم در تاریخ ایران، خاصه تاریخ معاصر، نحله‌ی فکری عامه‌پسندی است. این نحله عمدتاً مرهون تلاش رهبران صادق، مردم‌گرا و عامه‌باوری است که در زبان‌شان و گفتارشان حدیث مردم تعطیلی بر نمی‌تابد. خصوصیات اصلی این رویکرد نیز با فصل مشترکی با عامه‌گرایی در پیوستار زیر تصویر می‌شود:

کرده و با توجه به رشد سریع دانش نظری و فنی، جامعه را به قهراً هدایت کنند. بدیهی است، افراطی‌ترین وجه این رویکرد در سوی قطب خیانت‌پیشگی پیوستار این رویکرد، زمانی تجلی می‌یابد که عواقب ناخواسته عملکرد صاحبان این رویکرد، منجر به خیانت و عدم ارائه‌ی هرگونه خدمتی شود.

پ. عامه‌گرایی: این رویکرد یا نحله‌ی فکری که در سطح میانی و اعتدال، و به تعبیری، مطلوب پیوستار خدمت و خیانت قرار دارد، علی‌رغم همه‌ی اهمیت آن در فرایند توسعه‌ی کشور و ایجاد زمینه‌های اعتلای روابط رهبران فکری با مردم و رشد و ترقی شأن و هویت آنان، به دلایل مختلف، زمینه‌ی تجلی عینی و تاریخی اندکی یافته است. از جمله‌ی این دلایل می‌توان به غلبه و عمومیت رویکردهای دیگر بر پیوستار خیانت و خدمت در تحقق و زمینه‌یابی ظهور و بروز اشاره کرد. تنها فصل مشترک عامه‌گرایی با عوام‌زدگی، اتکا به زبان عامه است؛ عامه‌نگری یا توجه به انتظارات و خواسته‌های مردمی، به‌عنوان مخاطبان و اقشار اصلی هدف، در ارائه‌ی هرگونه خدمت و عملکردی از سوی رهبران فکری، از دیگر خصایص نحله‌ی فکری عامه‌گرا است. در این رویکرد که از آن به Publicism/ نیز یاد می‌شود، عامه‌سروری یا به تعبیر امروز، دموکراسی به‌عنوان ویژگی دیگر این نحله‌ی فکری معتقد به ایجاد زمینه‌ها و جلب مشارکت آحاد مردم در تعیین سرنوشت کنونی و آتی خود بوده و در این راه به نشر آزاد اندیشه‌ها و افکار، پاسخ‌گو بودن طبقات حاکم و رهبران فکری منتخب مردم، ایجاد زمینه‌های تکثرگرایی فکری، سیاسی و دینی، تأکید بر توسعه‌ی رفاه و عدالت اجتماعی نسبی و تعبیه نظام حقوقی و قضایی مدافع منافع مردم و توسعه حقوق فردی - شهروندی می‌پردازد.

باور اصلی رویکرد عامه‌گرا، باور به مردم است و در اساسنامه و مرامنامه خود همواره به دنبال تحقق منافع کوتاه و میان مدت مردم بوده و از مشارکت خود ایشان در جهت تلاش و تهیه‌ی زمینه‌های توفیق، توسعه و سعادت کنونی و آتی آنان بهره می‌گیرند.

روشن است که با توجه به آرمانی بودن و البته عینیت و تحقق‌پذیری نسبی این رویکرد، اولاً شناسایی و بازیابی چنین رویکردی در تاریخ ایران بسیار رقیق و غیرشفاف بوده است و دوم به دلیل غلبه‌ی رویکردهای دو قطب

